

گزارش کوتاهی از وضع

گزارش زیر که وسیله دوفراز فضلی
حوزه علمیه قم تهیه شده، گزارشی است
دردآلود، عبرت انگیز و مسئولیت زاکه
مطالعه دقیق آنرا به همه خوانندگان
عزیز توصیه می کنیم .
(مکتب اسلام)

شیعیان ترکیه

خطراتی که اسلام را عموماً و جامعه تشیع را خصوصاً در ترکیه تهدید می کند .

دست آوردها

ماه مبارک رمضان سال (۱۳۹۸ هـ ق) برای تبلیغات مذهبی سفری به کشور ترکیه
داشتیم اینک بوسیله این نوشته نتیجه این مسافرت و اطلاعاتی را که در باره شیعیان ترکیه
بدست آمده است در اختیار بزرگان، دوستان و تمام کسانی که در اینگونه موارد احساس
مسئولیت می کنند و قدم مؤثری می توانند بردارند می گذاریم تا شاید برای آنان مفید و
راه گشا باشد .

نخست در این مسافرت نظر بر این بود که در طول ماه مبارک رمضان در یک نقطه از
ترکیه به تبلیغات بپردازیم ولی اوضاع ترکیه و مسیر جریانات، ما را بر آن واداشت که بعنوان بررسی
و مطالعه در اوضاع شیعیان ترکیه از جنبه های مختلف به اکثر شهرهای مهم شیعه نشین مانند
آنکارا، استانبول، ازمیر، کارس، برویم و با اکثر شیعیان این شهرها از نزدیک برخورد و تماس
برادرانه داشته و جلسات دوستانه برقرار کنیم بحمدالله این برنامه با موفقیت انجام گرفت و
دست آوردهای فراوانی نیز در برداشت زیرا این برنامه علاوه بر جنبه های تبلیغی و تعلیمی
اولاً، شیعیان ترکیه را با شیعیان ایران مخصوصاً با روحانیت و حوزه علمی قم آشنا و
مربوط می ساخت .

ثانیاً: برای آنان مایه دلگرمی و پشتوانه روحی بود که روحانیت ایران و حوزه
علمیه قم بدون کوچکترین توجه مادی پادی از آنان می کند و در فکر آنها است و به
نیازمندی هایشان می رسد .

ثالثاً در این مسافرت علاوه بر جلسات دسته جمعی گفتگوهای جالبی با جوانان چند
گرا بعمل آمد که شاید بزودی بصورت کتابی انتشار یابد .

رابعاً در این سیر و سفر اوضاع و نیازمندیهای شیعیان ترکیه بررسی گردید و حتی در این مورد دقت بیشتری بعمل آمد و اینک نتیجه آن بصورت گزارش کوتاهی در اختیار شما قرار میگیرد تا شاید مورد استفاده عموم قرار گیرد.

* * *

۱- در ترکیه پیرمردان شیعه، که کم و بیش با اسلام آشنائی دارند و با حب (علی) و خاندان عصمت خو گرفته اند تدریجاً از بین میروند و جوانان شان نیز در اثر نداشتن رهبر و تبلیغات دینی و انقطاع کلی از کتب مذهبی که در اثر تغیر خط بوجود آمده است به الحاد و کمونیستی گرائیده اند از نماز و روزه و دیگر برنامههای دینی کمتر خبری هست و با وضعی که در آنجا دیده می شود اگر ادامه پیدا کند و توجهی به آنان نشود به آسانی می توان پیش بینی نمود که با مرور زمان درخت پرثمر شیعه در آنجا خشک گردد و ملتی بنام شیعه در ترکیه وجود نداشته باشد!

۲- کمونیسم در چهره های مختلف در ترکیه رواج وسیعی یافته است. و عده ای از جوانان گرایش عجیبی بآن پیدا نموده اند که در این راه تا سرحد ترور و کشتار، پیش میروند ولی اسفانگیزتر اینکه این وضع رقت بار در میان جوانان شیعه بیداد کرده است و آنان در اثر سر خوردگیها و معرومیتها و بعلت نداشتن رهبر و تبلیغات صحیح و حساب شده در این میدان خطر از همگان پیش ناخته اند بطوریکه اکثر کشت و کشتار بوسیله جوان شیعه بوجود می آید و آنان به جان همدیگر افتاده و علناً برادر کشی برآمداخته اند انسان که به مراکز شیعه نشین وارد می شود بیش از نقاط دیگر احساس خطر می کند.

۳- تبلیغات کمونیستی در ترکیه بطوری آزاد و وسیع و حساب شده می باشد که از شهرهای بزرگ و محیط دانشگاهها بافراتر نهاده و به شهرهای کوچک و محیط روستاها نیز راه یافته است که ما خود به بعضی از دهات که ماشین رونبست و از گاری استفاده می شود رفتیم و در آنجا در دست بچه های ۱۴-۱۵ ساله کتابها و اعلامیه های مختلف کمونیستی مشاهده نمودیم و برای اینکه اشتباه نکرده باشیم این کتابها را خواندیم ولی تأسف اینجاست که در برابر این همه کتابهای مسموم و تبلیغات ضد دینی حتی یک کتاب مذهبی بدست آنها نمی رسد و سخن صحیح و آموزنده ای از مذهب بگوششان نمی خورد و این تبلیغات کمونیستی بطوری وسیع و دامنه دار است که حتی دانشجویان ایرانی را هم بمجرد اینکه به ترکیه میروند در کام خود فرومی کشد مگر عده ای را که از ایمان قوی و عقیده محکمی برخوردارند.

۴- در ترکیه مساجد و تشکیلات تبلیغی مذاهب چهارگانه اهل تسنن بسیار مجهز

و حساب شده می باشد ولی شیعیان و علویین با اینکه از اکثریت نسبی برخوردارند مانند گله بی چوبان بسیار متفرق و پراکنده می باشند و در اثر همان پراکندگی است که يك ملت اقلیت جنبی و غیر رسمی و مطرود از اجتماع محسوب شده و همیشه در زیر سلطه و فشار حکومتها قرار گرفته اند و از اختیارات سیاسی تاحدی محروم می باشند.

۵- در استانبول : نخست از ایران مستقیماً به استانبول رفتیم استانبول مهمترین و بزرگترین شهر ترکیه می باشد که تقریباً در انتهای طول ترکیه نزدیک مرز بلغارستان قرار گرفته قسمتی از آن آسیا و قسمت بیشترش جزء اروپا می باشد در این شهر عظیم ترکیه با وجود صدها مسجد بسیار معظم و تاریخی شکفت انگیز شیعیان مسجد نسبتاً کوچکی دارند بنام مسجد ایرانیان نزدیک بازار در وسط میدانی واقع گردیده و در دور دیوار داخلی این مسجد اسم (الله) و نام چهارده معصوم نقش بسته است و بعد از اسم پیامبر نام ابو بکر ، عمر ، و عثمان ، نیز دیده می شود و سالها است که از ایران متناوباً يك نفر مبلغ به آنجا اعزام می گردد و فعلاً نیز یکی از فضلاء حوزه علمیه قم (۱) در آنجا مشغول فعالیت است و فعالیتش نیز در خور تحسین و تقدیر می باشد. شیعیان استانبول در اثر این مسجد و مبلغینی که از ایران به آنجا اعزام می شوند نسبتاً تشکلی دارند ولی عیب و نقص این مرکز شیعی نیز در اینست که : مدیریت آن بدست عده ای از ایرانیان قدیمی و وابسته افتاده که از اسلام هیچگونه خبری ندارند و حتی مانع فعالیت کامل امام مسجد نیز می شوند ... !

۶- در ازمیر : از استانبول به ازمیر رفتیم - ازمیر - نیز یکی از شهرهای مهم ترکیه و شاید سومین شهر آن می باشد و در انتهای طول ترکیه در کنار دریای اژه قرار گرفته است شیعیان ازمیر قبلاً مسجد و محل تجمعی نداشتند ولی اخیراً بساختمان مسجدی شروع کرده اند و گوشه ای از آن را موقتاً برای انجام مراسم در ماه مبارک رمضان آماده کرده بودند ولی در اتمام ساختمان این مسجد با مشکلات فراوان اقتصادی روبرو هستند و نیاز به کمک همکاری تمام شیعیان مخصوصاً شیعیان ایران دارند زیرا شیعیان این شهر ملت فقیر و کارگری بیش نیستند .

۷- در آنکارا : از ازمیر به آنکارا رفتیم و آنکارا بعد از استانبول مهمترین شهر ترکیه و پایتخت آن می باشد ولی با این حال شیعیان آنجا مسجد و پایگاهی ندارند در صورتی که نبودن يك مرکز شیعی در پایتخت ترکیه بسیار شکفت انگیز می باشد و در خانه ها و منازل

(۱) دانشمند محترم جناب آقای علی اکبر مهدی پور از فضلاء حوزه علمیه قم است و قریب سه سال است که از طرف مراجع بزرگ قم در استانبول فعالیت های شایسته و ارزنده ای دارد .

جمع شدن نیز با اشکالات فراوان سیاسی برخورد می کند اینست که شیعیان آنکارا بسیار متفرق و پراکنده می باشند.

و اخیراً بفکر ساختن مسجدی افتاده اند که زمین آن خریداری شده و اجازه ساختمان آن نیز گرفته شده است ولی به کمکهای مالی و فکری نیازمندند .

۸- در کارس: از آنکارا بسوی کارس برگشتیم کارس مرکز شیعیان ترکیه و مرکز مناطق مرزی ایران و شوروی می باشد و در نزدیکی مرز شوروی قرار گرفته است شیعیان در کارس دو مسجد دارند یکی از مسجدها کتابخانه و مدرسی هم دارد و یک نفر اهل علم نیز در آنجا هست که در قم و نجف درس خوانده و از نظریات عربی و مقدمات بسیار قوی است و می تواند آنجا را بصورت یک حوزه کوچک علمی شیعی در ترکیه در سطح مقدمات اداره کند، و طلبه های خوبی تربیت نماید، و برای تکمیل تحصیلاتشان بعوزه علمیه قم و نجف اعزام بدارد، ولی با وجود این امکانات بعلت نداشتن هزینه لازم آنجا تعطیل شده، و بعضی از بچه های شیعی که به تحصیل علوم دینی علاقمندند از ۱۳-۱۴ سالگی بقم پناه می برند، و از کتاب اول فارسی شروع بتحصیل می کنند.

* * *

پیشنهادها:

با در نظر گرفتن مطالب و گزارشات فوق یک فعالیت حساب شده تبلیغی در ترکیه ضروری بنظر می رسد تا بدان وسیله شیعیان آنجا از پراکندگی و وضع استقبارکنونی رهائی جسته و بیک تحول دینی و اخلاقی نائل آیند و بصورت یک ملت مؤمن و مستقل و قوی و تشکل یافته اسلامی بحیات خود ادامه داده و پیش بروند و آنچه بادر نظر گرفتن آنجا در این مورد پیشنهاد می شود بدین قرار است:

۱- در ترکیه حداقل آماری که بگوش می خورد - چندین میلیون علوی زندگی می کنند که در اثر نداشتن رهبر، مسیر اسلام را کاملاً گم کرده اند و بصورت یک ملت غیر اسلامی در آمده اند که اگر آنان با شیعیان پیوندی داشته باشند اکثریت نسبی جمعیت ترکیه را تشکیل می دهند، لازم است در این مورد فعالیت شود و میان علویین و شیعیان ارتباط و پیوندی بوجود آید، زیرا اولاً از این پیوند اکثریت بوجود می آید و از اکثریت نیز استفاده های سیاسی می شود و ثانیاً در اثر این ارتباط، زمینه تبلیغ آنان فراهم می گردد ولی باید این فعالیتها از راه مخصوص و حساب شده ای انجام گیرد در غیر اینصورت امکان پذیر نمی باشد .

۲- باید با برخی از بزرگان و روشنفکران شیعه که در مقامات بالا هستند ارتباط برقرار گردد تا زمینه را برای فعالیتها فراهم کنند و اشکالاتی را که احیاناً پیش می آید

برطرف سازند .

۳- برخی از کتابهای سازنده و آموزنده مذهبی اخلاقی و اجتماعی باید ترجمه و در سطح جوانان پخش گردد مخصوصاً کتابهایی در نظام عادلانه اقتصاد اسلامی، ورد کمونستی. که این کتابها تا حدی جای کتابهای مسموم و ضد مذهبی را پر کنند و جوانان را با حقایق اسلام که کاملاً از آن بیگانه هستند آشنا سازد .

۴- لازم است در ترکیه مخصوصاً در کارس که مرکز شیعیان ترکیه می باشد يك حوزه کوچک علمی تشکیل یابد که بچه ها و جوانان علاقمند به تحصیلات دینی، فارسی و مقدمات عربی را در آنجا بخوانند و برای آمادگی بیشتر و تکمیل تحصیلاتشان به حوزه های خارج اعزام گردند انتظار ما از حوزه علمیه قم و مرجعیت شیعه آنست که در این زمینه هر چه زودتر اقدامات لازم را بعمل آورند .

بقیه : نظام شوروی به وضع

سپس به تدریج، کارشناسان نظامی شوروی به صحنه آمدند که تعداد آنان بر اساس بررسی های اخیر، بین ۲۰۰ و ۶۰۰ نفر در نوسان بود و در هفته های اول بعد از کودتای « نورمحمد ترکی » به بیش از ۲۰۰ کارشناس رسید.

بدین ترتیب اتحاد شوروی توانست قدم به قدم در کشور افغانستان که جمعیت آن صد درصد مسلمانند، نفوذ پیدا کند بطوری که رهبران کودتا علناً می گویند : حزب آنان یعنی « حزب دموکراتیک خلق » ، طرفدار مارکسیسم است و دوستی ریشه دار خود را با « مسکو » علناً اظهار می کنند و از طرف دیگر ادعا می کنند که طرفدار سیاست بی طرفی بوده جزو گروه کشورهای غیر متعهد هستند، گروهی که « کوبا » نیز جزو آنهاست.

یکی از نخستین کارهایی که « نورمحمد ترکی » رئیس فعلی کشور افغانستان پس از کودتا کرد، دیدار از مسکو بود که طی آن سه موافقتنامه با شوروی در زمینه « همکاری و دوستی »! دو کشور امضاء کرد!

اتحاد شوروی زمانی توانست در افغانستان به صورتی که گذشت، نفوذ پیدا کند که در همان هنگام بلوک غرب تصمیم به عقب نشینی های جزئی از مناطق نفوذ خود در جنوب و جنوب شرقی آسیا گرفت. در این مرحله، افغانستان از هیچ يك از کشورهای اسلامی که در این منطقه واقع شده اند و روز بروز ثروتمندتر می شوند، هیچ کمک حقیقی دریافت نکرد.

ادامه دارد